



## در بستر زمان

### اشاعره در بستر زمان

کلام اشعری، سنتی در اندیشه اسلامی است که در مقابله با معتزله به وجود آمد، اما با اهل حدیث و حنبله نیز تقابل دارد، این اندیشه تأثیر زیادی بر فکر اسلامی گذاشته است.

کلام اشعری، سنتی در اندیشه اسلامی است که در مقابله با معتزله به وجود آمد، اما با اهل حدیث و حنبله نیز تقابل دارد، این اندیشه تأثیر زیادی بر فکر اسلامی گذاشته است.

امروزه گرایش‌ات اشعری را بسته و گریخته می‌توان دید. این جریان به رغم مخالفت با تقدم عقل بر نقل، عقل را نگاه داشته و در استدلال‌هایشان از آن استفاده کرده‌اند. اما ایشان کیستند؟

پیروان مکتب ابوالحسن علی‌بن اسماعیل اشعری را اشاعره می‌گویند، خصوصیت عمده اشاعره تأکید بر نقل(قرآن و سنت) در مقابل عقل و خردی است که معتزله منادی آن بودند. ایشان معتقد بودند که ایمان تصدیق به قلب است و اقرار به زبان و علم به ارکان از فروغ آن است.

اشاعره بر آن بودند که مرتکب گناه کبیره اگر توبه کند، بخشش بر خداوند واجب نخواهد بود، زیرا چیزی بر خدا نمی‌تواند واجب گردد، اما اگر گناه نکند حق تعالی او را شامل مغفرت خود می‌کند و یا اینکه مورد شفاعت رسول اکرم(ص) خواهد بود و یا به اندازه گناهش عذاب خواهد شد.

از سوئی دیگر آنان اعتقاد داشتند «هر چه موجود باشد مرئی» است، بنابراین اشاعره حکم به رویت خداوند در جهان باقی می‌دادند. از این رو اشاعره قائل به استدلال در دین بودند و از این رو از رویکرد «حنبله» که آن را نادرست می‌دانستند جدا می‌شوند. «حنبله» معتقد بودند که بحث و استدلال و به کار بردن اصول دین حرام است.

از دیگر عقاید معتزله می‌توان به عدم وحدت صفات خداوند با ذات او، مختار نبودن بشر و مخلوق بودن اعمال او، عمومیت اراده و قضاء و قدر الهی در همه حوادث اشاره کرد. ایشان معتقد بودند شرور مانند خیرات از جانب خدا هستند، حسن و قبح ذاتی افعال نیست و شرعی است، رعایت لطف و اصلح بر خدا واجب نیست، قدرت انسان بر فعل، توأم با فعل است و نه مقدم بر آن، تنزیه مطلق، یعنی هیچگونه شباهت، مماثلت میان خدا و ماسواء وجود ندارد، انسان آفریننده عمل خود نیست، اکتساب‌کننده آن است، «فاسق» مومن است، بخشش بنده‌ای که توبه نکرده است و هیچ اشکالی ندارد، شفاعت بلا اشکال است، کذب و تخلف وعده بر خدا جایز نیست. عالم حادث زمانی است، کلام خدا قدیم است اما کلام نفسی است و نه لفظی، افعال خدا بر غایت و غرضی نیست. تکلیف ما لابطاق بلامانع است.

از بزرگان اشاعره در تاریخ می‌توان به قاضی ابوبکر باقلانی معاصر شیخ مفید، ابواسحاق اسفراینی معاصر سید مرتضی، امام الحرمین جوینی و شاگرد نامی‌اش غزالی و امام فخر رازی اشاره کرد.

ابوالحسن اشعری، موسسه کلام اشعری در حدود دویست اثر داشت که بسیاری از آن‌ها از بین رفته است، بنابراین افکار وی تأثیر زیادی در جهان اسلام گذاشت، دو متفکر بزرگ متأثر از این سنت کلامی را می‌توان غزالی و مولانا نامید. امام محمد غزالی این عقاید را تحکیم و تثبیت کرد و آن را به عرفان نزدیک ساخت و از سوی دیگر مولانا اندیشه‌های اشعری را جهان‌گیر کرد و امام فخر رازی نیز توانست این عقاید را رنگ و روی فلسفی بخشد.

اشاعره در دروان معاصر به شدت منتقد و مخالف عقاید خرافاتی و واهی وهابیت و سلفیون می‌باشند زیرا از سویی استدلال را در دین ممکن دانسته و از سوی دیگر به سنتی مانند شفاعت اعتقاد دارند. هرچند اشاعره اکنون با جریان‌های رادیکال مخالف هستند، شهید مطهری در خصوص این جریان معتقد است، پیروزی مکتب اشعری برای جهان اسلام گران تمام شد. با توجه به این مشرب جبری اشاعره، آموزه مهم سیاسی ایشان را می‌توان مسئله کسب و لوازم سیاسی آن دانست. طرح مسئله کسب تلاشی بود برای حل انتساب افعال به آدمی، ضمن حفظ آموزه تعلق تمامی افعال به خداوند. منتقدان اشاعره به درستی، کسب را با جبرگرایی قرین دانسته‌اند. به لحاظ سیاسی چنین دیدگاهی عملاً زمینه استبداد دینی متصلب را در جامعه ایجاد خواهد کرد. از این نظر آموزه کسب با وجود تعلق به دیدگاهی هستی‌شناختی-انسان‌شناختی، تداعی‌های کاملاً سیاسی می‌یابد.